

دیوان اشعار

ابوالحسن علی علامه حسن زاده آملی

www.ketab.ir

به کوشش سید سعید هاشمی

حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۰۷-

[دیوان]

دیوان اشعار ابوالفضل علامه حسن زاده آملی / به کوشش

سید سعید هاشمی - قم: نشر الف. لام. میم، ۱۳۹۱.

ISBN: 978-964-2894-22-2

فهرست نویسی بر اساس فیبا.

واژه نامه.

۱. شعر فارسی - قرن ۱۴. ۲. شعر عربی - ایران -

قرن ۱۴. ۳. شعر مازندرانی - قرن ۱۴. ۴. شعر عرفانی -

قرن ۱۴. الف. هاشمی، سعید، ۱۳۵۳ - ب. عنوان.

۸ فا ۱ / ۶۲

PIR ۸۰۲۱

د ۵۲۶ ح

۱۳۹۱



نشر الف. لام. میم

دیوان اشعار

مؤلف: ابوالفضل علامه حسن زاده آملی

به کوشش: سید سعید هاشمی

ناشر: الف. لام. میم

نقح: وزیری

تاریخ چاپ: ۱۳۹۱

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۹۴-۲۲-۲

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست

حورای بزم آرا

۱۳

۲۹

غزلیات

- | | | |
|----|--|--------|
| ۳۱ | شد از جیب افق پیدا رخ نورانی بیضا | غزل ۱ |
| ۳۲ | باد صبا کجایی گو دوستان ما را | غزل ۲ |
| ۳۴ | همتی ای جان من! سیر سماوات را | غزل ۳ |
| ۳۶ | هر روز روزگار به رسم دگر مرا | غزل ۴ |
| ۳۸ | بر بند بی تراخی در کار دل میان را | غزل ۵ |
| ۳۹ | صبا گو آن امیر کاروان را | غزل ۶ |
| ۴۲ | ای پیک کوی قدسیان از من بگو جانانه | غزل ۷ |
| ۴۳ | دیده ای دل شرف سوز سحرگاهی را؟ | غزل ۸ |
| ۴۵ | این نور چشم من بیا دل را رها کن از هوا | غزل ۹ |
| ۴۷ | ساقی برم مشرب به دو جامی جانا | غزل ۱۰ |
| ۴۸ | در این دیر نهن ای دل نباشد جای شیون‌ها | غزل ۱۱ |
| ۴۹ | الا ای طایر قدسی در این پیرانه برزن‌ها | غزل ۱۲ |
| ۵۱ | باز دلم آمده در پیچ و تاب | غزل ۱۳ |
| ۵۲ | یک دار وجود است به ترتیب مرتب | غزل ۱۴ |
| ۵۳ | بحمد الله که با دلدارم امشب | غزل ۱۵ |
| ۵۵ | از پای تا سرم همه نور ولایت است | غزل ۱۶ |
| ۵۶ | بلبل جان به نوا آمده گلزار کجاست؟ | غزل ۱۷ |
| ۵۷ | مرا یار عزیزی در کنار است | غزل ۱۸ |
| ۵۹ | ملکوت است که در منظر من جلوه گر است | غزل ۱۹ |
| ۶۱ | ماییم و آن که حضرت او نور مطلق است | غزل ۲۰ |
| ۶۳ | این پیکر شریف که نازک تر از دل است | غزل ۲۱ |
| ۶۵ | چه بگویمت که در دل چه حقایقی عیان است | غزل ۲۲ |
| ۶۶ | دل بریان شده‌ام حاصل عرفان من است | غزل ۲۳ |
| ۶۷ | دهن آن است تو داری که چه شیرین سخن است | غزل ۲۴ |

۶۹	ندانم چرا جان من آتشین است؟	غزل ۲۵
۷۱	ای خواجه ره مردم بیدار نه این است	غزل ۲۶
۷۲	طائر قدسی ام از گلشن یار آمده است	غزل ۲۷
۷۳	قلم از نطق ازل تا به زبان آمده است	غزل ۲۸
۷۴	دوست بگو دوست که یادش نکوست	غزل ۲۹
۷۵	در آمدم ز پندار ناصواب ای دوست	غزل ۳۰
۷۷	دارم هوس وصال ای دوست	غزل ۳۱
۷۹	تا دل اندر خم زلف تو گرفتار شده است	غزل ۳۲
۸۰	ساقی حسن فدای تو خُم ده پیاله چیست؟	غزل ۳۳
۸۱	در راه عشق دم به دم عذر و بهانه چیست؟	غزل ۳۴
۸۳	سَر تو جدول دریای وجود صمدی است	غزل ۳۵
۸۵	دل به دست یار دادن کاری آسان است؟ نیست	غزل ۳۶
۸۶	بلبلان را آرزویی جز گل و گلزار نیست	غزل ۳۷
۸۷	آن دل که به کوی عشق محرم نیست	غزل ۳۸
۸۹	ملک هستی به مثل جز قد و بالای تو نیست	غزل ۳۹
۹۰	پیر ما گفت به جز بود خدا بودی نیست	غزل ۴۰
۹۱	بانی اندر دل شب دیده ی بیدار داشت	غزل ۴۱
۹۳	محبوب من که دائم هستم به گفت و گویت	غزل ۴۲
۹۵	ماییم و رخ یار دارم و دگر هیچ	غزل ۴۳
۹۶	دیده ی ما و رخ ماه نیل در چه باد باد	غزل ۴۴
۹۷	طلعت دوست چه خورشید حسن دلارا دارد	غزل ۴۵
۹۹	تربت ما شرف از نور ولایت دارد	غزل ۴۶
۱۰۰	ره عشق است و نوش و نیش دارد	غزل ۴۷
۱۰۱	عاشق صادق کجا در روز و شب آرام دارد؟	غزل ۴۸
۱۰۲	تا به خال و زلف تو مرغ دلی در دام شد	غزل ۴۹
۱۰۳	تا که دل صید کمند زلف مشکین تو شد	غزل ۵۰
۱۰۴	دوش ما را گذر سوی میخانه شد	غزل ۵۱
۱۰۵	مژدگانی که دلارام به دیدار آمد	غزل ۵۲
۱۰۶	خوش آمد باز شهر الله خوش آمد	غزل ۵۳
۱۰۷	ماه رمضان آمد، نور دل و جان آمد	غزل ۵۴
۱۰۸	مژده ای دل که شب هجر به پایان آمد	غزل ۵۵

۱۱۰	کشف محمدی گرت بارقه‌ای عطا کند	غزل ۵۶
۱۱۲	باز به دل شورش بی حد و بی مر بود	غزل ۵۷
۱۱۳	دیدی ای دل اگر سینه‌ی سوزان نبود	غزل ۵۸
۱۱۴	این نیمه شب است و ما و دلبر	غزل ۵۹
۱۱۵	پخته شد خامی و دارد نعمت وجد و سرور	غزل ۶۰
۱۱۶	ای شده مغرور به دارالغرور	غزل ۶۱
۱۱۸	به حقیقت برسیدم ولی از راه مجاز	غزل ۶۲
۱۱۹	سینه آن گنجینه‌ی قرآن فرقانست و بس	غزل ۶۳
۱۲۱	صاحباً غره بدین دُنبی غذار مباح	غزل ۶۴
۱۲۲	خرم آن دل که بود در حرم دلدارش	غزل ۶۵
۱۲۳	در خلوتی ز پیرم کافزوده باد نورش	غزل ۶۶
۱۲۴	خوش بساطی ست که جز آه نباشد به بساط	غزل ۶۷
۱۲۵	از پیروی نفس منخبط	غزل ۶۸
۱۲۷	دولتم آمد به کف با خون دل آمد به کف	غزل ۶۹
۱۲۸	ای حریم تو مأمن عشاق	غزل ۷۰
۱۳۰	این چگونه نباشدت مشتاق	غزل ۷۱
۱۳۱	مال منی عده آمد از فراز افق	غزل ۷۲
۱۳۲	ای یاد تو مونس دل عاشق	غزل ۷۳
۱۳۳	باز پیک روضه‌ی بهشتان عشق	غزل ۷۴
۱۳۴	معشوق چو با ما بود از لطف موافق	غزل ۷۵
۱۳۵	ای الهی ای دل پاک تو خورمید کمال	غزل ۷۶
۱۳۷	دم به دم از یاد تو آهم جهد از سوره‌ی دل	غزل ۷۷
۱۳۸	آه از دل و آه از دل، آه از دل ناقابل	غزل ۷۸
۱۳۹	شد گاه وصل دل دار قم ایها المزمّل	غزل ۷۹
۱۴۰	باز از یاد تو در سوز و گداز آمده‌ام	غزل ۸۰
۱۴۱	ای دوستان مهربان، من کیستم؟ من کیستم؟	غزل ۸۱
۱۴۲	ز بختم طالع فیروز دارم	غزل ۸۲
۱۴۳	شعله‌ی تنور آسا آه آتشین دارم	غزل ۸۳
۱۴۴	چون نباشم مست تو کز دست تو پیمانه دارم	غزل ۸۴
۱۴۵	خوش نکته فرمودی به من آقا به چشم آقا به چشم	غزل ۸۵
۱۴۷	گفتی مبین غیر مرا اندر جهان گفتم به چشم	غزل ۸۶

۱۴۸	به اسم الهی قلم زد رقم	غزل ۸۷
۱۵۰	از سینه‌ی سوزانم پیوسته فروزانم	غزل ۸۸
۱۵۱	در رهت طی مراحل نکنم پس چه کنم؟	غزل ۸۹
۱۵۲	چشم گر غیر تو را ببند بدوش سرکنم	غزل ۹۰
۱۵۴	بشنو ز میر قافله‌ات با خبر کنم	غزل ۹۱
۱۵۶	امشب است آن شب که آتش در نهادم افکنم	غزل ۹۲
۱۵۸	باز در سوز و گدازم ز تف دل چه کنم؟	غزل ۹۳
۱۵۹	می‌گفت رندی یا صنم عنقای این صحرا منم	غزل ۹۴
۱۶۰	به سر مصحف و دعا بروم	غزل ۹۵
۱۶۱	من که دل از مهر دنیا کنده‌ام دیگر چه خواهم؟	غزل ۹۶
۱۶۲	من این دنیای فانی را نمی‌خواهم نمی‌خواهم	غزل ۹۷
۱۶۳	بگذار تا بنالم از درد بی‌دوام	غزل ۹۸
۱۶۴	ما مست یاریم در شست یاریم	غزل ۹۹
۱۶۵	ای دل بیا به گلشن صدق و صفا رویم	غزل ۱۰۰
۱۶۷	راه دشوار است و تن از کار ترسان است یاران	غزل ۱۰۱
۱۶۸	لا اله الا الله العقا الا یا نفخة الرحمن	غزل ۱۰۲
۱۶۹	کرناش سوز دل، دل را چه سودی داشتن	غزل ۱۰۳
۱۷۰	تا تویی دو کلام خردکامی دچار خویشتن	غزل ۱۰۴
۱۷۱	همچو مور افتاد اندر طاس لغزنده حسن	غزل ۱۰۵
۱۷۳	حاصل عرفان من سیه‌ی برین من	غزل ۱۰۶
۱۷۴	باز به خود آمده بلبل شیدای من	غزل ۱۰۷
۱۷۵	ما و قرآن و تو خود هر دفتری خواهی گزین	غزل ۱۰۸
۱۷۷	ای سرور و سالار من، من بنده‌ی فرمان تو	غزل ۱۰۹
۱۷۸	همی امروز و فردا می‌کنی تو	غزل ۱۱۰
۱۷۹	جلوه کند نگار من تازه به تازه نو به نو	غزل ۱۱۱
۱۸۰	ای نفس سرکش شرمی ز الله	غزل ۱۱۲
۱۸۱	با رخ نیکوی تو افسانه‌ای خورشید و ماه	غزل ۱۱۳
۱۸۲	از بام تا شام، الحمد لله	غزل ۱۱۴
۱۸۳	دلخواه ما را داده به خود راه	غزل ۱۱۵
۱۸۴	از صحبت اغیار گذشتیم، علی الله	غزل ۱۱۶
۱۸۵	ای نبرده به کوی دلبر راه	غزل ۱۱۷

۱۸۶	ای سوز تو در سینه ز سُر دو جهان به	غزل ۱۱۸
۱۸۷	رباید دلبر از تو دل ولی آهسته آهسته	غزل ۱۱۹
۱۸۹	اگر جز صبغة الله رنگ دیگر داری ای خواجه!	غزل ۱۲۰
۱۹۰	ای که دوری ز یار یعنی چه؟	غزل ۱۲۱
۱۹۲	عاشقی و قرار یعنی چه؟	غزل ۱۲۲
۱۹۴	غم عشق تو در من خانه کرده	غزل ۱۲۳
۱۹۵	دلاراما! دل دیوانه ام ده	غزل ۱۲۴
۱۹۶	لب فرو بسته ای از چون و چرا آسوده	غزل ۱۲۵
۱۹۷	دل می برد ز دستم آن دلبر یگانه	غزل ۱۲۶
۱۹۸	ای بطایر عرش آشیانه!	غزل ۱۲۷
۲۰۰	ای درون دلم تو را خانه	غزل ۱۲۸
۲۰۱	افسوس ز خود غافلم ای وای به من وای	غزل ۱۲۹
۲۰۲	چون پدر ای پور آدم مظهر اسماستی	غزل ۱۳۰
۲۰۴	جان در قفس است و قفس اندر قفستی	غزل ۱۳۱
۲۰۵	تا زمانی یک جلوه ی جانانه کردی	غزل ۱۳۲
۲۰۶	روایت بد و نکردی در روز کار کاری	غزل ۱۳۳
۲۰۸	جلوه ملکوت است دلت بی خبری	غزل ۱۳۴
۲۰۹	ای که دور از سخری رو عجب بی خبری	غزل ۱۳۵
۲۱۰	چه خبرهاست خدای که با تو خبری؟	غزل ۱۳۶
۲۱۱	جز تو ندارم هوس دیگری	غزل ۱۳۷
۲۱۲	راز دل با تو چه گویم که تو خود را ندانی	غزل ۱۳۸
۲۱۳	دوش رفتم به در میکده ی روحانی	غزل ۱۳۹
۲۱۴	جانا امیدوارم در این سرای فانی	غزل ۱۴۰
۲۱۵	دهن از عاشق و معشوق چرا باز کنی؟	غزل ۱۴۱
۲۱۶	ای خوش آن بنده ی دل آگاهی	غزل ۱۴۲

قصاید

۲۱۷		قصیده ی صحراویّه
۲۱۹	گر نه کارت دلبری و غارت و یغماستی	قصیده ی اطواریّه
۲۲۹	من چرا بی خبر از خویشتم	قصیده قدریّه
۲۳۱	مطلع فجر شب قدر نهاد	قصیده ی شفقیه
۲۳۵	الا ای آتشین آهوی محفل	

۲۴۶	ای دل به در کن از سرت کبر و ریا را	قصیده‌ی لقائیه
۲۴۹	جز تو ما را هوای دیگر نیست	قصیده‌ی توحیدیه
۲۵۴	کرد یکی روز شکایت چنین	مطایبه
۲۵۵	دل آن نبود که با دلدار نبود	دل عاشق
۲۵۷	الله اکبر الله اکبر	غنچه‌ی گل
۲۶۰	صبا به کوی عزیزان روضه‌ی رضوان	جان جان
۲۶۳	امروز مرا چون شب تار است به دیده	تلخ پدیده
۲۶۵	ندانم خواجه بیدار است یا نه؟	متاع عشق
۲۶۸	ای که زبان‌ها به تو گویاستی	مرغ شباهنگ
۲۷۰	در گذشتم ز ماه و سال همی	معشوق لایزال
۲۷۳	شب عید آمد آن عیدی که باشد عید سلطانی	عید
۲۷۵	اول نامه نام یزدانا	پند نامه‌ی یزدان
۲۹۰	قلم از نعمت سخندانی	یا علی
۲۹۴	با نام خدای کاشف اسرار	هشیار
۳۰۷		مثنویات
۳۰۹	ای خدای خدایان جهان	مناجات
۳۱۱	ای «به» به زبان بی زبانی	گفت و گو با درخت به
۳۱۳	بسی روز و بسی ماه و بسی سال	استاد کامل
۳۱۶	ای خداوندگار سخاوتی	نامه‌ای به خدا
۳۱۹	در لوی بد یار ما را سخاوتی	ترجمه‌ی قصیده‌ی عینیه
۳۲۴	صبا از من به اخوان صفایم	سرود گشت در دشت و چمن
۳۲۸	الله سر هر اسم و رسمی	حرّم مطهر
۳۳۰	ای غم تو غمام رحمت دل	مناجات
۳۳۲	سراسر صنع دلدارم بهشت است	بهشت
۳۳۳	طره‌ی شب باز نمودار شد	طره‌ی شب
۳۳۵	یکی پرسید از بیچاره مجنون	حسن و مجنون
۳۳۶	نوری که به سرعتش روان است	گنجینه
۳۳۸	ای پناه بلندی و پستی!	پند پدر
۳۴۱	ای خداوند کریم کار ساز	دفتر گل
۳۴۴	گفت رندی ز سر وجد و سرور	طره‌ی عشق شکن در شکن است

۳۴۶	حق و میزان در عدد یکسان بود	حق و میزان
۳۴۸	دلا یک ره بیا ساز سفر کن	کاروان عشق
۳۵۱	شب عید است ای شیخ شبستر	شب عید
۳۵۴	«سلام الله ما کرّ اللیالی»	سلام الله
۳۵۸	حرف اول از نبوت حرف نون	قلب قلب
۳۵۹	چه خوش روزگاری حسن را خدا	دوستان
۳۶۰	اشتری را دید موشی بی‌خرد	سزوار
۳۶۱	فرق چبود؟ عین غیر انگاشتن	فرق
۳۶۲	این که باشی بر خلاق پیش هنگ	مرد حق
۳۶۳		قطعه
۳۷۳		رباعی و دوبیتی
۳۸۷		ترجیع بند
۳۹۹		منظومه‌ی بلند دفتر دل
۵۳۳		اشعار عربی
۵۷۱		سایر موارد
۵۷۷		ابیات تبری
۵۹۱		اصطلاحات